



زعفرو به مثقال،
ضرب المثل های قاینی

تألیف:

دکتر صدیقه سادات مقداری
استادیار دانشگاه پیام نور _ قاین

حسن مختاری
دبیر بازنشسته و شاعر معاصر _ قاین

اعظم مختاری
دبیر آموزش و پرورش _ قاین

سرشناسه	: مقداری، صدیقه سادات، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور	: زعفری به مثقال: ضرب المثل های قایمی / مولفین صدیقه سادات مقداری، حسن مختاری، اعظم مختاری.
مشخصات نشر	: قاین: انتشارات اکبرزاده، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۴ص.
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸ ۶۰۰ ۹۲۸۷۱ ۸ ۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: ضرب المثل های قایمی.
موضوع	: ضرب المثل های ایرانی - قاین
شناسه افزوده	: مختاری، حسن، ۱۳۳۷-
شناسه افزوده	: مختاری، اعظم، ۱۳۴۳-
رده بندی کنگره	: PIR ۳۰۲۴/۷م ۲۵ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۱۳۸۹/۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۷۹۱۶۴



عنوان: زعفری به مثقال، ضرب المثل های قایمی
 تألیف: دکتر صدیقه سادات مقداری، حسن مختاری، اعظم مختاری
 طرح روی جلد: کانون آگهی و تبلیغات بزرگمهر (سجادزاده)
 ناشر: انتشارات اکبرزاده
 چاپ اول: پائیز ۱۳۹۱
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 لیتوگرافی و چاپ: گلرو
 شابک: ۹۷۸ ۶۰۰ ۹۲۸۷۱ ۸ ۷
 قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

قاین: خیابان جانبازان، نبش جانبازان ۷ تلفن: ۰۵۶۲-۰۲۲۷۲۸۹
 کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلفین است.

فهرست مطالب:

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۷
فصل ۱. امثالی که با «آ» و «الف» شروع می شوند.....	۹
فصل ۲. امثالی که با حرف «ب» شروع می شوند.....	۴۶
فصل ۳. امثالی که با «حرف پ» شروع می شوند.....	۶۳
فصل ۴. امثالی که با حرف «ت» و «ث» شروع می شوند.....	۷۳
فصل ۵. امثالی که با «ج» شروع می شوند.....	۸۱
فصل ۶. امثالی که با حرف «چ» شروع می شوند.....	۸۴
فصل ۷. امثالی که با حرف «ح» شروع می شوند.....	۹۱
فصل ۸. امثالی که با «خ» شروع می شوند.....	۹۵
فصل ۹. امثالی که با «دال و ذال» شروع می شوند.....	۱۰۷
فصل ۱۰. امثالی که با حرف «ر» شروع می شوند.....	۱۲۴
فصل ۱۱. امثالی که با حرف «ز» شروع می شوند.....	۱۲۸
فصل ۱۲. امثالی که به حرف «س» شروع می شوند.....	۱۳۳
فصل ۱۳. امثالی که با حرف «ش» شروع می شوند.....	۱۴۳
فصل ۱۴. امثالی که با حرف «ص و ض و ط و ظ» شروع می شوند.....	۱۴۹
فصل ۱۵. امثالی که با حرف «ع و غ» شروع می شوند.....	۱۵۲
فصل ۱۶. امثالی که با «ف و ق» شروع می شوند.....	۱۵۷
فصل ۱۷. امثالی که با «ک» شروع می شوند.....	۱۶۲
فصل ۱۸. امثالی که با حرف «گ» شروع می شوند.....	۱۷۴
فصل ۱۹. امثالی که با حرف «ل» شروع می شوند.....	۱۸۲
فصل ۲۰. امثالی که با حرف «م» شروع می شوند.....	۱۸۵

فصل ۲۱. امثالی که با حرف «ن» شروع می شوند.....	۲۰۱
فصل ۲۲. امثالی که با حرف «و» شروع می شوند.....	۲۰۹
فصل ۲۳. امثالی که با حرف «هـ» شروع می شوند.....	۲۱۸
فصل ۲۴. امثالی که با حرف «ی» شروع می شوند.....	۲۲۷
منابع و مأخذ	۲۳۵

www.ketab.ir

پیشگفتار

اول کارها به نام خدا: خدایی که کنه ذاتش را کس نیافته و نشناخته و پهلوان خرد در سنجش قدرتش کت^۱ بوسیده و لنگ انداخته. آفریننده ای که آدمی را به فضیلت سخن برتری داد و به قدرت قلم سروری. ذکرش منور کننده ی دل های بشر است و شکر نعمتش شیرین تر از شکر. بر آستان صمدیتش آنان که غنی ترند محتاج ترند و در بوستان احدیتش آنان که پربارترند سر افکنده تر. منع می که به نادان چنان روزی رساند که صد دانا در آن حیران بماند. توانایی که بی اراده ی او آب از آب تکان نخورد و اگر تیغ عالم از جای بجاید رگی نبرد. مهمنی که بی اجازه ی او برگ از درخت نیفتد و بدون حفظ و حمایت او سنگی روی سنگ نماند.

مدبری که با پنبه سر می برد و دیوار را چنان می اندازد که گرد نکند. تخته تراش نیست، ولی در و تخته را با هم جور می کند، شیشه گر نیست اما شیشه را در کنار سنگ نگه می دارد، منتقمی که چوب مکافاتش صدا ندارد، و هر وقت بزند دوا ندارد، قلم نویسندگان هرچند شاه جهان است بر خوان مدح و ثنایش گدایی است بینوا و زبان مردمان اگر چه قلم است در شکر نعم و آلائش عاجز است نارسا.

«از دست و زبان که برآید / گز عهده ی شکرش به درآید»

پس از ستایش ایزد یکتا درود بر روان اول موجودات و اشرف کائنات خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) که ذات مقدسش خدا را مثالی است اعلا و آینه ای است سر تا پا نما.
تلک الامثال نضر بها للناس لعلهم یعقلون

کیست مولا؟ آن که آزادت کند / بند رقیبت را بایست بر کند

درود بی اندازه و بی شمار به او و معصومین از ذریت او باد که علت غائی آفرینش اند و هادیان طریق حکمت بینش. درد کشان بزم احدیت اند که هر که با آنان در افتاد بر افتاد. چراغ های یزدانند که هر آنکس پُف کند، ریشش بلکه ریشه اش بسوزد. پیشوایانی که زمین از وجود آن ها هرگز خالی نماند.

بدین مفتخرم که مهرشان در سینه ام با شیر اندرون شده، با جان بدر شود. و بدین عنایت مستحضرم که اگر گیاه تلخ از بوستان ایشانم و اگر بنده ی نا فرمانم از دوستان ایشان. حمد ایزد متعال و مدح پیمبر و آل وقتی مستجمع شروط و قابل قبول است که به پاس و ستایش بزرگان امت و راهنمایان ملت مقرون باشد.

«من لم يشكر العبد لم يشكر الرب»

شکر بنده گو تا شکر خدا گفته باشی. این است که ران ملخ نزد سلیمان برده، تشکرات بی ریب و ریای خود را به آستان آن پیشوایان تقدیم می دارم که مریبان ارواح و عقولند و مکملان فروع و اصول، در تعلیم تربیت خلق بیه هر محنت و بلا را به تن مالیده، رنج خود را و راحت یاران می طلبند. گوشه نشینانند که چراغ هدایت و ارشادشان مدام می سوزد. خرد بینانند که از کار و بار هر کس واقفند و از حقایق اشیا عارف، در ردی پایان بر ذات خجسته ی آنان باد که هادیان نامند و حافظان اسلام. و نفرین بی شمار بر روان پلید آن ناکسان باد که دشمن ترقی و سعادت بشرند و اهل هر فتنه و شر. جو فروشان گندم نما و گرگان در لباس میش درآمده. برای یک دستمال قیصریه را به آتش می کشند و به جهت یک شاهی هفتاد معلق می زنند.

نه آهی در جگر دارند و نه پشیمی در کلاه. هنرشان بی روغن سرخ کرده است و با این که هر را از بر نمی شناسند، دم از کرامات می زنند و لاف مقامات شریک دزدند و رفیق قافله، صد کوزه می سازند که یکی دسته ندارد. تا بر خر شیطان سوارند مانند سنگ نازی آباد هم غریب را می گیرند و هم خودی را. چنان به مال دنیا حریصند که از هول آتش در دیکت افتند. بی چاره اند و بدبخت، ابلهانی که سوراخ دعا را گم کرده و بر ریسمان پوسیده ی آن پاردم ساییده ها به چاه می افتند، که روزگارشان خراب است و پایشان آن طرف آب.

زینهار از قرین بد زینهار و قنارینا عذاب النار

معرفی قاین:

قاین یکی از شهرستان های خراسان جنوبی است که از طرف شمال محدود است به شهرستان گناباد و خواف و از جنوب به شهرستان بیرجند، از خاور به شهرستان زیرکوه، از باختر به شهرستان فردوس. قاین مرکز شهرستان قاینات است که بر سر راه جاده ی آسفالتی مشهد به زاهدان قرار دارد. از نظر تاریخی یکی از شهرهای بسیار قدیمی خراسان است که در گذشته مرکز ایالت قهستان بوده است، ایالتی که در جنوب شرقی خراسان قرار داشته و سرزمین های آن از یک سو به ولایت نیروز و زابل، از سوی دیگر به اراضی هرات و افغانستان، از یک سو به اراضی بلوچ و مکران و از یک سو به لوت خیص (شهداد) و

کرمان منتهی می‌شده‌است و شهرستان‌های: قاینات، زیرکوه، فردوس، طبس، گناباد، کاشمر، بیرجند، سرایان، بشرویه، درمیان، نهبندان، خوسف، بجستان امروز را در بر می‌گرفته‌است، بزرگانی مانند: ابوسعید ابی‌الخیر (۴۷۵ ه. ق.)، ناصر خسرو علوی قبادیانی (۴۹۴ ه. ق.)، خواجه نصیرالدین طوسی که در عهد ناصرالدین محتشم قاینی (۶۳۵ ه. ق.) مدتی در این شهر به سر برده‌اند و مقبره‌ی بزرگانی چون ابومحمد حسن بن منصور مشهور به شیخ ابوالمفاخر قاینی وزیر بهرام شاه غزنوی در قرن ششم هجری و ابومنصور قیسم بن ابراهیم مشهور به بوذرجمهر قاینی از شعرای قرن چهارم و پنجم هجری در این شهر است.

ناصر خسرو در بیست و سوم ماه ربیع‌الآخر سال ۴۴۰ هجری قمری وارد قاین شده و چنین می‌گوید: «قاین شهری بزرگ و حصین است، گرد شهر خندقی دارد و مسجد آدینه به شهر اندر است و آن جا که مقصوره است طاقی عظیم بزرگ است، چنان که در خراسان از آن بزرگ‌تر ندیدم و آن طاق نه در خور آن مسجد است. عمارت همه شهر به گنبد است»^۱

مثل چیست؟

مثل کلمه ایست عربی و مشتق از (مثل - مثل - مثلاً) به معنای راست ایستادن و بپا خاستن، این کلمه در محاورات و کتاب‌ها معمولاً به معنای: برهان، حدیث، عبرت و آیت استعمال می‌شود. ابراهیم نظامی گوید: «در مثل چهار امتیاز موجود است که در سایر انواع کلام با هم یافت نمی‌شود و آن چهار عبارت است از: اختصار لفظ، وضوح معنی، حسن تشبیه، لطافت کنایه و این آخرین درجه‌ی بلاغت سخن است که مافوق آن ممکن و متصور نیست» عبدالله ابن مقفع گوید: «برترین امثال بر سخنان دیگری به این است که معنی مثل روشن‌تر، تأثیرش در مغز شنونده شدید‌تر و مورد استعمالش وسیع‌تر است». لارد روسل انگلیسی برای تعریف مثل چنین گوید: «مثل نتیجه‌ی عقل یک جمع و نادره‌گویی یک فرد است». «ملیح‌ترین تعریف‌ها، تعریفی است که (به دهن پیر فرانسوی) می‌گویند: «مثل صدایی است که از تجربه منعکس شده».

جوهره‌ی معنی اصطلاحی مثل را می‌توان چنین بیان کرد که مثل جمله‌ای است مختصر مشتمل بر شبه یا مضمون حکیمانه که بواسطه‌ی روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار برند.

مثل یک شعبه‌ی مهم از ادبیات هر زبان و نماینده‌ی ذوق فکری، قریحه‌ی ادبی افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان است.

وقتی که امثال جاریه بین یک ملت را به دقت مطالعه و در نکات آن تأمل کنید، طوری بر طرز زندگانی اجتماعی و انفرادی، درجه‌ی تربیت و تمدن، پایه‌ی ترقی و تنزل رسوم و عقاید، احساسات و تصورات آن ملت مطلع می‌شوید که گویی سال‌ها با افراد طبقات مختلفه‌ی آن شریک زندگی و رفیق شب و روز بوده‌اید. هر صاحب ذوقی از این دو مثل «مهمان حبیب خداست» یا «در خانه هرچه هست، مهمان هر که هست» حکم می‌نماید که ملت ایران، ملتی مهمان نواز بوده‌اند، و مردمان قاین و قاینات در مهمان نوازی سرآمدند و این مثل‌ها گویای آن است.

«مهمو حبیب خدا» مهمان حبیب خداست، هرچه برایش خرج کنی خداوند دوصد چندانش را به تو می‌دهد.

«مهمو روزی خور میره» Memu ruzi xo re miyere: مهمان روزیش را می‌آورد.

«مهمو اگر یگم بیه صبح خونه گر مگشه» Memu eger yek-om beše seb xune gow mokoše: مهمان اگر یکی هم باشد صاحب خانه برایش گاو می‌کشد. این مثل درجه‌ی سخاوت صاحب خانه را بیان می‌کند.

«مهمو که میه، گردِ گردِ ی نو وِز تیریز قیای آریزوه»

:Memu ke miye , gerd-e gerdey nu ver tiriz qebayi evizune.

مهمان که می‌آید روزیش را با خود می‌آورد.

مثل قدیمی‌ترین ادبیات بشر است. انسان پیش از آن که شعر بگوید و قبل از آن که خط بنویسد امثال را در محاورات خود به کار برده است.

درجه‌ی عظمت و وسعت هر زبان و علو فکر ادبی اهل آن زبان از شماره‌های امثال آن معلوم است زیرا امثال عبارتند از: جمله‌های حکیمانه‌ای که به قدری فصیح و در عین فصاحت، ساده و لطیف و دارای اشعار، کنایات و تشبیهات خالی از تکلف اند که عامه آن‌ها را پسندیده، با کمال میل حفظ و در محاورات خود استعمال می‌نمایند؛ مانند این مثال‌ها:

«وِز بو میشم دو کار مه کِرده میشه یار خورِ مبینم و کِشمو نگه دشته میشه»

Ver bu mešom do kâr-e me kerde meše, yâr-e xor mebinom kešmum negedešte meše.

بالای بام خانه می‌روم و از این کار به دو هدف می‌رسم: هم یارم را می‌بینم و هم مزرعه را نگهداری می‌کنم. معلوم است کسی که این مثل را گفته جوانی عاشق بوده که به دشتبانی روزگار می‌گذرانده است. یا «گر به از مطبخ خلی دیخته هدر میه»

:Gorbe ez motbex keli dimne heder miye

گرچه از مطبخ خالی دیوانه خارج می‌شود. شکم گرسنه ایمان ندارد.

یا: «سُورَه از پیده چه خبر دَرَه. Sovare ez piyade če xēber dēre

سواره چه می‌داند که بر انسان پیاده چه می‌گذرد. کسی که در ناز و نعمت زندگی می‌کند از سختی‌ها و مشقت‌های انسان‌های فقیر و بی‌چیز خبری ندارد.

مثل به منزله‌ی واعظی شیرین زبان و ناصحی مهربان است که افراد ملت را با لسانی ساده و دل‌چسب و ملایم به پیروی اخلاق حسنه و ترک اعمال نکوهیده دعوت می‌کند.

فواید و محسنات امثال بیش از آن است که در این نوشتار مختصر بگنجد و آن‌چه به رشته‌ی تحریر در آمده است بسیار اندک است و مشتی از خروار.

و اما در این مجموعه:

در این مجموعه سعی بر این شده تا در حد توان، تدوین کنندگان به شیوه‌ی علمی کنایات، مثل و ضرب‌المثل‌هایی که در گویش قایینی رایج است را گردآوری و تدوین نمایند. پیکره‌ی عظیمی از این کنایات، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها بیش از دوهزار مورد، داده‌های اولیه‌ی این پژوهش را تشکیل دادند، که حاصل ثبت و ضبط آن، توسط گردآورندگان مجموعه، چندین سال توجه و انتظار را به دنبال داشته، که برخی ادب‌دوستان همشهری، در اختیار ما گذاشتند. این مجموعه با حوصله و دقت با مجموعه مثل‌های موجود از جمله: کتاب‌های «امثال الحکم» دهخدا، «فرهنگ سخن» انوری، مجلدات چاپ شده‌ی «کتاب کوچه» احمد شاملو، «داستان‌نامه‌ی بهمنیاری» احمد بهمنیار، «ده هزار مثل فارسی» دکتر ابراهیم شکورزاده و کتاب‌های استاد گرانسنگ دکتر رضا زمردیان «واژه‌نامه‌ی گویش قاین» و «بررسی گویش قاین» معادل‌یابی شد تا بین مثل‌های قایینی و مواردی که ملتبس به لهجه‌ی قایینی می‌باشد تمایز گذارده شود و در ضمن معادل‌های فارسی آن‌ها نیز ذکر گردد. مجموع مثل‌ها، کنایات و ضرب‌المثل‌ها در این مجموع ۲۲۲۸ مورد می‌باشد.

حرف «م» مخفف محلی بودن ضرب‌المثل است که تعداد آن‌ها ۱۲۴۹ مورد می‌باشد، یعنی مواردی که در مجموعه‌های فوق هنگام معادل‌یابی مشاهده نگردید. حروف «ف.م.م» مخفف فارسی محلی بودن ضرب‌المثل است که تعداد آن‌ها ۹۷۹ عدد است و گویای مواردی است که مشابه آن و یا عین آن به زبان فارسی در مجموعه‌های فوق الذکر یافت شده است. حروف «و.ک» مخفف رجوع کنید به ضرب‌المثل مشابه که توضیح بیشتری دارد، می‌باشد.

ضمناً موارد تکراری، مشابه و کاملاً فارسی حذف گردید. سپس تمام کنایات، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها شرح داده شد و سرانجام برای راحت‌تر شدن تلفظ، مخصوصاً برای افراد غیر بومی قاینات، این مجموعه با توجه به الفبای آوانگاری آوانویسی شد.

این مهم ممکن نمی شد مگر به همکاری و همیاری جمع زیادی از دوستان و همشهریان عزیز از جمله: آقایان حاج سید ذبیح ذبیح‌نژاد، سید علیرضا فرزانه، سید محمد حسن هاشمی، محمد زراعتی، حسن سلطانی، سید علیرضا شکیب، سید محسن سعیدزاده، رمضان کاهی، محمد علی قائم‌پناه، علی تقی زاده، هادی شهایکی، سید علی دهقانی، سید محمد امین ترحمی، محمد رضا طحان‌پور، خانم‌ها آسیه زارع و مهناز اسماعیلی و کانون بسیج هنرمندان، کتابخانه‌ی تخصصی فرهنگ و هنر شهرداری قاین و خانواده‌های مختاری و مقداری.

از راهنمایی‌ها و نکته‌نظرات ارزنده‌ی جناب آقای مهندس سید هادی قائمی که در این مجموعه یاریمان نمودند ممنون و سپاسگزاریم. و سپاس از جناب دکتر محمد رضا امجدی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انسانی آمریکا و مدرس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه‌های روسیه که نوشتن مقدمه‌ی این مجموعه را پذیرفتند. که امید است صاحب نظران و اهالی علم و ادب با نقد سازنده‌ی این مجموعه در رفع نواقص آن ما را یاری نمایند و اشکالات آن را به دیده‌ی اغماض بنگرند.

از آقایان رضا، مجید و حمید مختاری که زحمت تایپ و صفحه‌آرایی این مجموعه را بر عهده گرفتند تشکرو قدردانی می‌گردد. «تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.»

مختاری مقداری

به نام او که همگان است و بی او همگان هیچ

خدای را شاکرم که در سده‌های اخیر فرزاندگانی در آسمان علم و ادب شهر عزیزم قاین، این سرزمین زعفران و زرشک و آلو و این سرزمین ادب و حفظ سنت‌های خانوادگی، پدیدار شده‌اند و در دهه‌های اخیر تعداد آنان افزایش چشمگیری داشته‌است و اخیراً هم شما چون نگینی بر تارک آنان درخشیدن را آغاز نموده‌اید. اساتید گران سنگ آقای حسن مختاری و سرکار خانم مقداری، شما بهتر از من می‌دانید که دوام و قوام هر ملتی در پروسه‌ی تاریخ به عواملی چند بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها تلاش سربازان برای حفظ حدود و ثغور جغرافیایی و تلاش سیاستمداران بصیر و فهیم جهت حفظ تعاملات بین‌المللی و تلاش عالمان و ادبا جهت حفظ زبان، خط، ادبیات، شعر، داستان، گویش‌های محلی، ضرب‌المثل‌ها و حکایات است و این سومی بر همگان واضح است که بر دو دیگر افضل و ارجح است. از محمد حسین هیکل، خبرنگار و نویسنده‌ی معروف مصری پرسیده شد چرا مصری‌ها، تونسی‌ها، الجزایری‌ها، سوری‌ها، ... بعد از حمله اعراب به غیر از پذیرش دین حنیف اسلام، زبان عرب را هم پذیرفتند ولی ایرانی‌ها نه؟ بفرستند؟ جواب هیکل این بود، زیرا ایرانی‌ها فردوسی داشتند و ما نداشتیم زبان پارسی به وجود شعر و عاظمه ادب و علم و فضل و پرستی است و پیکره‌ی این زبان به گویش‌های محلی استوار است و این‌جا است که زحمات بی‌دریغ امثال شما اساتید محترم آشکار گردیده و قدر آن بر همگان لازم می‌گردد.

مطالعه‌ی آثار شما بالموم و کتاب ضرب‌المثل‌های قاینی بالخصوص مرا هم به وجد آورده و هم مباهات و فخر را در من زنده کرد. شما بزرگواران با نگارش این کار، گویش زیبای قاینی را که می‌رفت بر اثر مدرنیته و ماشینیسم در قبرستان تاریخ مدفون شود از لابلای اعماق فراموشی بیرون آوردید، جوان‌های ما را که به بلای اینترنت، تمدن پوشالی و زرق و برق‌های مصنوعی قرن ما مبتلا شده‌بودند، به اصل و خویشتن خویش برگرداند و برمی‌گرداند، کتاب ضرب‌المثل‌های قاینی تألیف استاد حسن مختاری و استاد صدیقه سادات مقداری باید تلنگری باشد بر اساتید و زبان‌شناسان دیگر و ادیبان ایران که به تأسی بر ایشان و نگارش کتبی از این دست، حافظ و نگهدارنده دیگر گویش‌ها و زبان‌های محلی از قبیل گیلانی، تالشی، مازندرانی، کردی، لری، بلوچی، تاتی، سُخدی، دری و... در جای جای سرزمین آریائیان باشند، در مورد ادامه این چنین کارهای کلیدی برای احیای گویش و ضرب‌المثل‌های قاینی به عنوان یک مدرّس دانشگاه قاینی خارج نشین، از تکانک جوانان مشتاق به دانش استدعا دارم کار این اساتید را ادامه دهند و نگذارند بیرقی را که ایشان برافراشته‌اند بر زمین افتد و بی‌حرکت ماند که فاجعه‌ی ذوب ادبیات قاینی در لهجه‌های جلف و خودمن در آوردی آغازیدن خواهد گرفت. **دکتر محمدرضا امجدی.**

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انسانی آمریکا مدرس ارشد زبان‌شناسی دانشگاه‌های روسیه

نشانه های آوانویسی

شماره ردیف	نشانه	معادل فارسی آوا	شماره ردیف	نشانه	معادل فارسی یا خارجی آوا
۱	P	پ	۱	ɛ	در فرانسه "[mɛtr]:mɛtr"
۲	b	ب	۲	a	در فارسی «زر، کر»
۳	d	د	۳	â	در فارسی «سال»
۴	t	ت	۴	i	در فارسی «پیر»
۵	k	ک	۵	e	در فارسی «دل»
۶	g	گ	۶	o	در فارسی «پر»
۷	q	ق	۷	u	در فارسی «دور»
۸	m	م	۸	ey	در فارسی «دی»
۹	n	ن	۹	ay	در انگلیسی «time»
۱۰	l	ل	۱۰	ow	در فارسی «موز»
۱۱	r	ر	۱۱	aw	در انگلیسی «house»
۱۲	v	و	۱۲	e:	«e» کشیده
۱۳	f	ف	۱۳	u:	«u» کشیده
۱۴	č	چ	۱۴	o:	«O» کشیده
۱۵	j	ج	۱۵	i:	«i» کشیده
۱۶	x	خ	۱۶	a:	«a» کشیده
۱۷	s	س			
۱۸	š	ش			
۱۹	z	ز			
۲۰	h	ه			
۲۱	y	ی			
۲۲	ž	ژ			